

پیشینه: امسال سی و هفتمین سالگرد درگذشت سید محمود طالقانی است. قطعه زیر را - هنگامی که دانشجوی دانشگاه اصفهان بودم - در آغاز مهرماه ۱۳۵۸ هم زمان با روزهای سوگواری درگذشت او سرودم. این متن در همان هنگام در رسانه ها منتشر شد. اینک، باز نشر این سوگنامه:

## مرثیه برای آیت الله طالقانی

[www.drmahmoudi.com](http://www.drmahmoudi.com)



تو از آن ها نبودی  
که وسعت نگاهشان  
به اندازه سوراخ یک سوزن است.  
تو از آن ها نبودی  
که عصبیت جاهلی را  
به منقار خودخواهی می آویزند  
و برفراز ایران اساطیری

به تماشا می گذارند.

تو از آن ها نبودی.  
تو آن ستاره ای بودی  
که دمیدنت  
بشارت آفتاب بود  
و می توانستی  
تمام هستی را  
در چشم های آینه وارت  
مهمان کنی.

تو به گل ها می آموختی  
تو به خاک فتوا می دادی  
تو گیسوان بلند باران را

در باد شانه می کردی  
و برای کبوترانی که به شهر شفق می رفتند  
دعای بدرقه می خواندی  
تو هستی را مانند گویی  
در مشت می گرفتی.

در سوگ تو  
ایران گریست  
باران گریست  
خاک و کبوتران و شفق  
با هم گریستند.

ای مردِ کوهوارِ خدایی!  
دیشب  
در کوچه باغ های شهادت  
مالک  
اباذر  
پرواز با شکوهت را  
آواز می دادند

و تاریخ را  
به سوگواری می خواندند.  
ای از تبار شرق!  
آیا هنوز کسی هست  
که مثل تو  
آن گونه پرشکوه  
کلام را متبرک کند؟  
آن گونه سرفراز بگوید:  
« فرزندان عزیزم...»

هنوز تاریخ

هنوز امام

در سوگ تو می گریند.

سید علی محمودی

اصفهان، مهر ماه ۱۳۵۸